خبر

آمار جدید کرونا: فوت ۲۵۲ بیمار کرونایی

• **شرق:** سخنگوی وزارت بهداشت ظهر روز گذشته از فوت ۲۵۲ بیمار کرونایی و شناسایی سه‌هزارو ۸۹۰ بیمار جدید در شبانه‌روز گذشته خبر داد. «سیماسادات لاری» اعلام کرد: از شنبه تا یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۹ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، سه‌هزارو ۸۹۰ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که هزارو ۶۶۱ نفر از آنها بستری شدند و مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۵۳۰هزارو ۳۸۰ نفر رسید. او ادامه داد: متأسفانه در ۲۴ ساعت گذشته، ۲۵۲ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۳۰هزارو ۳۷۵ نفر رسید. لاری افزود: خوشبختانه تاکنون ۴۲۷هزارو ۴۰۰ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند و چهارهزارو ۷۴۴ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند.

درگذشت رئیس بیمارستان لبافی‌نژاد بر اثر ابتلا به کرونا

• **شرق:** محمد زارع‌جوشقانی، چشم‌پزشک و رئیس بیمارستان لبافی‌نژاد، بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت. روابط‌عمومی بیمارستان لبافی‌نژاد نیز در اطلاعیه‌ای درباره فوت محمد زارع‌جوشقانی نوشت: «شهادت پرافتخار استاد فرهیخته و متعهد، شهید فداکار آقای دکتر محمد زارع‌جوشقانی که در خط مقدم جبهه جنگ بی‌امان با ویروس منحوس کرونا تا آخرین نفس ایستاد و جنگید و به علت ابتلا به بیماری کرونا به خیل شهدای مدافع سلامت پیوست، برای ما بسیار سخت و جانکاه است. اعمال و خدمات کسانی که با خدا هم‌عهد شده‌اند و از هیچ کوششی دریغ نکرده و همواره آماده جان‌فشانی هستند، در نزد خداوند متعال محفوظ است و دعای خیر بیماران بهترین توشه برای آخرت ایشان خواهد بود.

«نه» اصلاح‌طلبان به اصلاح ساختار شهرداری

شرق: روز گذشته شورای شهر تهران شاهد بررسی لایحه‌ای بود که اجرای آن بخشی از وعده‌های ۲۱ عضو شورایی بود که نام اصلاح‌طلبی را بدک می‌کشند. آن روزهایی که قرار بود آنها بر مسند وکلای شهر تهران بنشینند، قول داده بودند سازمان‌ها و ادارات شهرداری را کوچک کنند و با چابک‌سازی جلوی حیف‌ومیل بودجه شهرداری را بگیرند؛ شهرداری‌ای که نیروی مازاد نفسش را بریده بودند و اصلاح ساختار شاید می‌توانست نشان دهد این شورا تنها وظیفه‌اش تغییر نام خیابان‌ها نیست؛ اما با وجود تمامی بحث و جدل‌ها و فریادهایی که در صحن کشیده شد، کلیات طرح اصلاح ساختار شهرداری تهران رأی نیاورد تا در سال آخری که اصلاح‌طلبان بهشت‌نشین هستند، مجبور نشوند لایحه‌ای را اجرا کنند که دشمنی به بار می‌آورد و اجرای آن می‌تواند بدنه شهرداری را با آنها سر لج بیندازد. دلیل رأی‌نیاوردن این طرح در میان شورایی‌ها را شاید بتوان در یک جمله روز گذشته حجت نظری در صحن شورا خلاصه کرد: فکر نکنم با آغاز ثبت‌نام‌های شورای بعد، حتی آبدارچی به حرف ما گوش بدهد!

آنها یا نخواستند یا نتوانستند با بدنه‌ای دربیفتند که هرگز حاضر نشد آنها را به‌عنوان خودی بپذیرد و از طرف دیگر در ۹ ماه پایانی شورای پنجم فرصتی برای دست‌به‌یقه‌شدن با آنهایی نیست که سال‌هاست در سازمان‌هایی جا خوش کرده‌اند که حیاط‌خلوت شهرداری است و نیروهایی میهمان آنجا می‌شوند برای اینکه حقوق بگیرند.

از سال ۹۶ شورایی‌ها خودشان را برای اصلاح ساختار شهرداری مصمم نشان دادند. می‌گفتند سیستم فشل است و شهرداری پول ندارد به کسانی حقوق بدهد که در سازمان‌هایی که بودنشان هیچ اهمیتی ندارد، چپانده شده‌اند. از مدت‌ها پیش صحبت از لایحه‌ای بود که هدفش، بازنگری و اصلاح ساختار سازمانی شهرداری بود. قرار بود به‌منظور کاهش حوزه‌های معاونت شهرداری و سازمان‌ها و شرکت‌ها، معاونت برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورا و توسعه منابع انسانی با هم ادغام شده و معاونتی با عنوان معاونت توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی ایجاد شود. از مدت‌ها پیش در هم‌اندیشی شورایی‌ها و جلسات پشت درهای بسته، صحبت از آن بود که شورا برای این کار نیاز به کفش‌های آهنین دارد. شورایی‌ها می‌گفتند این سازمان‌هایی که باید در هم ادغام شوند، حیاط‌خلوت‌ها هستند، می‌شود با کوچک‌کردن شهرداری کاری ماندگار کرد و نام اصلاح‌طلبان را ماندگار کرد. اما از ۲۴ ساعت پیش از آنکه لایحه به صحن برسد، همه چیز ۱۸۰ درجه تغییر کرد. زنگ‌زدن‌ها و جلسات پشت سر هم آغاز شد؛ برای اینکه مدیران جوان شهرداری، مدیران شهری را توجیه کنند که در سال آخری که سر کار هستند این کار فقط و فقط باعث ریزش نیروهای اصلاح‌طلب و دلسردی و دشمنی بدنه شهرداری با آنها می‌شود. حرفشان این بود که حالا، در شرایطی که کسی دیگر حرف اصلاح‌طلبان را نمی‌خواند، این کار باعث می‌شود آنهایی که هنوز امیدی دارند، در لاک خودشان بخزند و با دلخوری ماه‌های پایانی

مدیریت شهری اصلاح‌طلبان را نظاره‌گر باشند. تلفن‌ها، تهدیدها و خواهش‌ها جواب داد و لایحه هشت به ۱۱ رأی نیاورد و از دستور خارج شد. هرچند هفت صبح شهرداری خواستار استرداد لایحه شده بود، اما شورایی‌ها به بهانه اینکه رفتار حناچی توهین‌آمیز است و یک ساعت پیش از جلسه نمی‌شود لایحه را استرداد کرد، آن را بررسی کردند. فریادهای رسولی و میرلوحی فایده نداشت و لایحه رأی نیاورد.

شهرداری در بدترین حالت حیات سازمانی است

محسن هاشمی در ابتدای جلسه روز گذشته شورای شهر تهران گفت: «۲۰ دقیقه قبل نامه حناچی مبنی بر استرداد برای من آورده شد و در ماده ۱۰ آیین‌نامه شورا آمده است بعد از وصول طرح تا لایحه، چنانچه شهردار یا اعضا تقاضای کتبی استرداد بدهند، به تشخیص هیئت‌رئیسه قابل استرداد است. ما که نمی‌توانیم هیئت‌رئیسه را تشکیل دهیم، مگر اینکه الان جلسه شورا را تعطیل کنیم که امکان‌پذیر نیست و این کار بی‌احترامی است».

پس از صحبت‌های هاشمی، سیدحسن رسولی، توضیحاتی را درباره این لایحه اعلام کرد و گفت: «۲۶ درصد سطوح سازمانی شهرداری زائد است و ما ثابت کرده‌ایم که منافع جمعی را ترجیح می‌دهیم». نایب‌رئیس کمیسیون برنامه‌وبودجه در ادامه تأکید کرد: اصلاح ساختار از سطوح بالای مدیریتی صورت گرفته است تا کمترین ریزش نیروی انسانی انجام شود. رسولی درباره اهم ایرادهای مطرح‌شده از سوی برخی اعضای شورای شهر گفت: «برخی گفته‌اند زمان تصویب مناسب نیست. اعضای شورا با رأی مستقل مردم انتخاب می‌شوند. در سال‌های اول و ابتدای شروع کار، آشنایی و اشراف کافی به روابط سازمانی ندارند. این ناآشنایی مانع برخورد کارشناسانه با موضوع مهم معماری مجدد می‌شود. در سال آخر شورا تصویر گویایی از معایب ساختاری دارد و با نگاه تخصصی به موضوع ورود می‌کند. برخی بر این باورند آثار این اقدام بزرگ در زمان باقی‌مانده دوره پنجم هویدا نمی‌شود. منافع شهر و شهروندان مدنظر است و من هم این مسئله را تأیید می‌کنم. اکنون که شورای شهر تهران با رأی بی‌سابقه مردم به ما سپره شده است، از انجام اصلاحات ساختاری کوتاه نیایید تا سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان دچار مشکل نشود. آقای شهردار و همکارانش هفت صبح یک‌دفعه از خواب بیدار شده‌اند و نامه را استرداد داده‌اند. شورا که بازیچه آقایان نیست! این اصلا لایحه نیست؛ عمل به تکلیف قانونی برنامه توسعه است. مگر شهردار حق دارد درباره تکلیف قانونی بگوید یک‌ساعته میلم به این کشیده که پس بگیرد؟ آقای شهردار در زمان رأی اعتماد به ما قول داد که با اصلاح ساختار موافق است».

حالا وقتش نیست

ترجیع‌بند سخنان مخالفان این بود که حالا وقت این اصلاح ساختار نیست. «علی اعطا»، سخنگوی شورای شهر تهران، به‌عنوان مخالف این لایحه می‌گوید: «در زمانی که لایحه اصلاح ساختار تصویب شد، از ۱۹ نفر حاضر با رأی ۱۰ به ۹ به تصویب رسید و من به‌عنوان موافق به اصلاح ساختار رأی دادم، اما موضوع این است که اصلاح ساختار در آن مقطع زمانی بود و اکنون شرایط تغییر کرده است. پیش آمده است که در صحن شورای شهر موضوعی در این حد موجب اختلاف و شکاف شود؛ خود شهرداری که بناست این لایحه را اجرا کند، مشخص نیست اکنون که از خواب بیدار شده یا شبانه تصمیم گرفته، در هر حال، ابراز آمادگی برای اجرای لایحه را ندارد».

محمود میرلوحی، عضو دیگر شورای تهران، در موافقت با لایحه گفت: مخالفان کمبود زمان و عدم انگیزه شهرداری را علل مخالفت خود با اصلاح ساختار اعلام می‌کنند، اما دقت کنید که ما در این مدت با ارائه «طرح‌های الزام» شهرداری را هل می‌دهیم. محسن هاشمی در جمع‌بندی لایحه اصلاح ساختار شهرداری تهران اعلام کرد: شهرداری تهران مانند یک درخت صدساله است که وظایف آن بزرگ شده و شاخ و برگ زیادی دارد و هیچ‌وقت در راستای هرس آن کاری انجام نشده است. حالا شهرداری ۶۱ هزار نیرو و ۵۰ هزار نیروی برون‌سپاری دارد. از نظر سیستماتیک، شهرداری تهران با این حجم پرسنل و بدهی و هزینه، مردم را راضی نمی‌کند و به هرس نیاز دارد، اما وقتی هرس ناقص انجام شود، مشکل را حل نمی‌کند؛ پس باید با تخصص و جدیت، این کار در فصل دقیق خود انجام شود. دلم می‌خواهد این هرس رخ دهد، اما احساسم این است که هنوز شرایط فراهم نشده و مسئله اصلی این است که هرس از بالا نیست، بلکه در لایه میانی است و همین‌ها نمی‌گذارند کار شود.

در نهایت کلیات این لایحه با هشت رأی موافق و ۱۱ رأی مخالف رد شد. آنچه به نظر می‌رسد، این است که شورایی‌ها تلاششان را کردند که حرف کمتری را تحمل کنند. یا جسارتش را داشتند یا نیرویی از بالا جلویشان را گرفت، اما آنها خواستند نشان دهند تلاششان را برای به‌کرسی‌نشاندن قولشان انجام دادند و لایحه را به صحن آوردند، اما نشد که بشود. به هر حال شاید بودجه حیاط‌خلوت‌ها و بودن جایی برای نیروهای مازادی که کسی اجازه و جرئت جابه‌جایی آنها را ندارد و همچنین رخوتی که در شوراست و نمی‌شود انکارش کرد و نبودن جسارت باعث شد پرونده اصلاح ساختار در شورای شهر پنجم برای همیشه بسته شود.

نمکدوست، استاد دانشگاه:

جامعه از فیلترینگ به‌اندازه نبود آزادی اندیشه ضرر می‌بینند

«جامعه از فیلترینگ به اندازه نبود آزادی اندیشه ضرر می‌بیند، زیرا فضای مجازی موجب می‌شود مردم در چارچوب ارتباطی حکومت‌ها را نقد کنند که فضای بسته این امکان را از بین می‌برد و مانع گفت‌وگوی متقابل می‌شود»؛ این عقیده استاد دانشگاهی است که سال‌ها در حوزه ارتباطات درس خوانده، مو سفید کرده و شاگردان زیادی را تحویل جامعه داده است. گاهی در کشور از گوشه‌ای علم مخالفت با فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بلند می‌شود. راهکار منادیان این مخالفت هم چیزی نیست جز فیلترینگ. درحالی‌که بسیاری از موافقان فیلترینگ و محدودسازی شبکه‌های اجتماعی خودشان از کاربران فعال این شبکه هستند و از آنها آزادانه استفاده می‌کنند تا از این طریق صدای خود را به گوش مخاطبانشان برسانند. در همین زمینه با «حسن نمکدوست»، استاد علوم ارتباطات، به گفت‌وگو نشستیم؛ کسی که خود از مخالفان جدی فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی است.

آیا طرح حذف یا فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام و محدودیت در دسترسی به این شبکه‌ها را برای پاک‌شدن فضای اینترنت و ایجاد مصونیت برای خانواده‌ها مفید می‌دانید؟

ازنظر بنده، طرح فیلترکردن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جز طرح‌های معلوم‌الحال است و انطباقی با موضوعات امروزی ندارد. حذف این شبکه‌ها مبنای علمی و عملیاتی ندارد. طرح‌هایی از این دست که در مجلس هم در دست بررسی است یا تصویب نمی‌شود، اگر هم تصویب شود قابل‌اجرا نیست. قبلا هم تجربه چنین برخوردهایی را داشته‌ایم، برای مثال بعد از جنگ تحمیلی دستگاه «فکس» وارد کشور شد که همان زمان ممنوعیت‌هایی اعمال‌شده بود. استفاده نکردن از تجهیزات ماهواره‌ای در دهه ۷۰ یکی دیگر از تجارب محدودیت‌هاست. باید توجه داشت افرادی که اصرار به اعمال فیلترینگ دارند، خودشان می‌دانند که این یک بازی است اما می‌خواهند بگویند ما متفاوت هستیم. خوب است بدانید که اغلب طراحان فیلترکردن شبکه‌های اجتماعی کاربر فضای مجازی هستند و حتی هزینه‌هایی پرداخت می‌کنند تا افرادی اکانت‌های آنها را مدیریت کنند. همین افراد با مطرح‌کردن چنین موضوعات بی‌اهمیتی وقت متخصصان را می‌گیرند و موجب می‌شوند تا سازمان‌های مسئول درگیر مباحث بی‌نتیجه شوند. درحال‌حاضر که بیماری کرونا جولان می‌دهد، باید به‌جای طرح این موضوعات بی‌نتیجه همه امکانات فنی و اختصاصی حوزه فضای مجازی بسیج شوند تا مردم بتوانند از ارتباطات بهتر در حوزه مجازی برخوردار شوند. از سوی دیگر با توجه به پیش‌بینی‌هایی که سازمان بهداشت جهانی درباره بیماری کرونا دارد، باید آموزش از راه دور برای دانشگاه‌ها و مدارس تقویت شود؛ چون این شرایط به‌زودی تمام نمی‌شود. فیلترکردن فضای مجازی مانع توسعه است و جز زیان عوایدی برای جامعه ندارد. دستوردهندگان فیلترینگ سوراخ دعا را گم کرده‌اند. به‌جای ایجاد محدودیت، به فکر ایجاد عدالت آموزشی به‌خصوص برای مناطق دورافتاده باشیم که از داشتن اینترنت محروم هستند.

به نظر شما رواج راه‌های دورزدن فیلترینگ یا فراوانی فیلترشکن‌ها از کجا ناشی می‌شود و چه تبعاتی دارد؟

تاریخ رسانه‌ها با قدمت ۵۰۰ساله نشان می‌دهد هر جامعه‌ای که دولتمردانش سراغ سانسور می‌روند، این پیام را به مردم می‌دهند که موضوعاتی وجود دارد که نمی‌خواهیم شما در جریان باشید. باید توجه داشت که جامعه از فیلترینگ به‌اندازه نبود آزادی اندیشه ضرر می‌بیند، زیرا فضای مجازی موجب می‌شود مردم در چارچوب ارتباطی حکومت‌ها را نقد کنند که فضای بسته این امکان را از بین می‌برد و مانع گفت‌وگوی متقابل می‌شود. با فیلترکردن فضای مجازی مردم مجبور می‌شوند از فیلترشکن استفاده کنند؛ بنابراین این امکان ایجاد می‌شود تا اطلاعات مردم در دسترس جریان‌های پشت‌صحنه‌ای قرار گیرد که در ظاهر با اعمال محدودیت دسترسی مردم را به امکانات آنها محدود کرده‌ایم. البته یک‌سری فیلترشکن داخلی وجود دارد و در ازای دریافت پول فیلترشکن فعال می‌شود. از طرفی می‌توانیم مطمئن باشیم که اطلاعات سرقت نمی‌شود اما این چه منطقی است که اطلاعات به روی مردم مسدود شود و از سوی دیگر با پرداخت وجه بازگشایی می‌شود؛ مردم عقل دارند و برای دسترسی به اطلاعات بیشتر، گوشی بهتر می‌خرند.

به نظر شما چگونه می‌توانیم نهضت تولید محتوا را در ایران به جریان بیندازیم تا کفه ترازوی محتوای داخلی به محتوای خارجی بچربد؟

نیازی به تولید محتوا در فضای مجازی نیست. در فضای بیرونی مثلا برای چاپ روزنامه با تیراژ هزار عدد یا کتاب با تیراژ ۳۰۰ عدد باید مجوز گرفت که گاهی چندین مجوز برای انتشار دریافت می‌شود؛ بنابراین با وجود این محدودیت‌ها فضای وب فضای مناسبی برای انتشار محتواست. از آنجایی که تولیدکنندگان حرفه‌ای محتوا مانند روزنامه‌نگاران و نویسندگان در تنگنای انتشار هستند، بنابراین رشد فیک‌نیوزها با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد؛ زیرا امکان تولید محتوا را از حرفه‌ای‌ها گرفته‌ایم. مهم‌ترین محدودیت در این زمینه انحصار رادیو و تلویزیون در ایران است و انسداد در فضای ارتباطی جمعی بخش مهم چالش است. متأسفانه در کشور ما فراگیرترین رسانه جمعی انحصاری است که نگاه محدودگرا، جانبدارانه و سیاسی دارد. همین موضوع سبب می‌شود تا تولید محتواها حتی اگر درست هم نباشد، در فضای مجازی گسترش یابد و افراد بدون دانستن منبع انتشار آن را باور می‌کنند.

نهادهایی مثل صداوسیما، وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی چه نقشی در تولید محتوای مناسب برای فضای مجازی دارند؟

نهادهای این‌چنینی باید نقش رگولاتوری و نظارتی و درعین‌حال آزادی‌گرا داشته باشند؛ اما درحال‌حاضر محدودیت‌های زیادی از سوی آنها اعمال می‌شود. این نهادها باید با تحول تکنولوژی و نیازهای جامعه قانون‌گذاری و قانون‌زدایی کنند و نقش دولت نیز تسهیلگر باشد. هر چیزی که توسط حکومت اداره شود و به‌طورکلی دولتی باشد، فسادزاست؛ برای مثال صنعت خودرو که دولتی است، فساد به دنبال داشته و پیشرفتی هم ندارد. درباره موضوعات فرهنگی نیز این‌چنین است؛ وقتی حکومت خودش انحصار فرهنگی دارد، مانع از هر مشارکت فرهنگی در حیات اجتماعی می‌شود.

آیا بخش غیردولتی می‌تواند با صداوسیما در این حوزه رقابت داشته باشد؟

باید بخش غیردولتی بیشتر فعال شود. اگر جامعه و حکومت هم‌راستا و همسو باشد، هم‌افزایی صورت می‌گیرد و مردم، حکومت و بخش خصوصی اگر با هم مشارکت داشته باشند، حتی اگر انتقادی صورت گیرد، به‌صورت زنده و پویا است. بخش خصوصی همیشه در ایران محدود شده و نمایندگان اصناف هم از سوی حکومت تعیین می‌شوند؛ بنابراین زمینه اعتراض بسته است.

به نظر شما چرا با وجود آنکه وظیفه وزارت ارتباطات ایجاد زیرساخت‌های فنی است و در این مسیر موفق بوده، بااین‌حال منتقدان تولید و پخش محتوا را هم از این وزارتخانه انتظار دارند و کمتر به نهادهای فرهنگی که در این زمینه کوتاهی کرده‌اند نقد وارد می‌کنند؟

پیش از برنامه ششم توسعه نگاه‌ها به وزارت ارتباطات سخت‌افزاری بود که محدود به توسعه ارتباطات، افزایش کانال‌ها و... می‌شد؛ اما در برنامه ششم توسعه مفهوم ارتباطات تغییر کرد. ارتباطات یکی از موتورهای محرک توسعه است. ارتباطات بدون توسعه و توسعه بدون ارتباطات بی‌معنی است. مسئولیت اصلی وزارت ارتباطات این است که درکی را معادل توسعه به لحاظ سخت‌افزار و نرم‌افزار و محتوا ایجاد کند. وزارت ارتباطات نقش مهمی در تولید محتوا دارد و باید به آن نظم ببخشد. در این میان نقش بخش خصوصی، نهادهای مدنی و اندیشه دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی بسیار مهم است. وزارت ارتباطات باید به‌روشنی بیان کند که در جهان امروز توسعه بدون ارتباطات وجود خارجی ندارد و یک نظام ارتباطی بسامان بدون نظام توسعه‌یافته وجود خارجی ندارد. جامعه توسعه‌یافته جامعه‌ای است که ارتباطات در آن به بهترین کیفیت در حال رواج است و رسانه‌ها در روان‌ترین شکل ممکن تولید محتوا می‌کنند و مردم با بخش خصوصی باید روابط بسامان داشته باشند. کسانی که دستور فیلترینگ می‌دهند، توسعه در همه بخش‌های دیگر مانند پزشکی، خدمات و... را معیوب و ناقص می‌کنند.

آگهی تغییرات شرکت جهش ژرف آوید(سهامی خاص)

به شماره ثبت۲۶۵۳ و شناسه ملی۱۴۰۰۵۰۲۷۹۳۵ به موجب نامه شماره ۹۸/۱۲۱۶۳۵ مورخه ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ و به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۴ مرکز اصلی شرکت جهش ژرف آوید(سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۷۴۴۱۸ واحد ثبتی تهران به نشانی استان قزوین -شهرستان البرز، بخش مرکزی، شهر الوند، محله شیخ بهایی، خیابان حکمت پنجم، خیابان میثم، پلاک ۰، طبقه همکف کد پستی ۳۴۳۱۹۴۸۸۹۲ تغییر یافت و ماده ۴ مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردیدکه در این اداره در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۸ تحت شماره ۲۶۵۳ به ثبت رسید و جهت اطلاع عموم آگهی می گردد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری قزوین-البرز (۶۳۴۱۵۳)

www.sharghdaily.ir

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شماره مجوز:۱۳۹۹،۳۹۹۶

نوبت اول

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید.

شماره تقاضا و مناقصه	تقاضای شماره AR-۹۹۴۰۰۱۴ مناقصه شماره ۹۹/۰۲۶		
شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید ماده شیمیایی QUINOLINE		
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۲/۸۳۵/۰۰۰/۰۰۰ (دو میلیارد و هشتصد و سی و پنج میلیون) ریال می‌باشد.		
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد		
مبلغ برآوردی مناقصه	۵۶/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (پنجاه و شش میلیارد و هفتصد میلیون) ریال		
تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۱۳۹۹/۰۸/۲۰	تاریخ گشایش پاکات فنی	۱۳۹۹/۰۹/۲۰
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۹/۰۹/۱۱	تاریخ گشایش پاکات مالی	۱۳۹۹/۱۰/۱۰
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه فاز ۲و۳ مدیریت بازرگانی، اداره خرید ، صندوق پستی ۳۱۱-۷۵۳۹۱ تلفن: ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۴۱ ، نمابر:۲۲۷۰ و ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۳۰		

مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۴۲و۰۷۷۳۱۳۱۲۲۴۴ تماس حاصل فرمایند

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

ادامه از صفحه ۲

سریال شارلی ابدو

اکنون لیبرالیسم سکولار غربی و رادیکالیسم خشونت‌گرا و افراطی در دو سوی میدانی از کینه و نفرت قرار گرفته‌اند. یک طرف تیراژ شارلی ابدو را با کاریکاتورهای موهن و تحریک‌آمیز به پنج میلیون رساند و با آماده‌باش نیروهای پلیس و امنیتی‌کردن شهرهای اروپا، واکنش‌های خشونت‌آمیز ناشی از این اقدام تحریک‌آمیز را بی‌اثر کرد و طرف دیگر تهدید به اقدامات تلافی‌جویانه بیشتر کرد و دیدیم که قتل معلم فرانسوی حاصل آن در شش سال بعد یعنی اکنون بود.

در این میانه، روشنفکران (مسلمان جهان اسلام) باید با درک صحیح از مسئولیت تاریخی خویش و اتخاذ موضعی مستقل، برای شکستن این سیکل معیوب و مولد نفرت و خشونت بکوشند. ایفای این مسئولیت تاریخی در گرو تحرکی مدنی و مستقل در دو سطح ملی و بین‌المللی علیه رادیکالیسم و خشونت از یک سو و تحقیر و نفرت‌پراکنی از سوی دیگر است.

شعار «من شارلی ابدو هستم» که تلاش شد در واکنش به حادثه پاریس به نماد و شعاری بین‌المللی در دفاع از آزادی بیان و محکومیت بنیادگرایی مذهبی تبدیل شود و همه انسان‌ها اعم از اروپایی و غیراروپایی آن را فریاد زدند، به نحو آشکاری از این رویکرد انحصارطلبانه حکایت دارد. متأسفانه این شعار به نحو زیرکانه‌ای شارلی ابدو را به‌عنوان سمبل آزادی معرفی کرد و مخاطبان را در برابر یک دوگانه کاذب قرار داد؛ گویی شرط اعتقاد به آزادی بیان، دفاع از شارلی ابدو بوده است و عدم دفاع از شارلی ابدو به معنای حمایت از بنیادگرایی رادیکال و ضد آزادی بیان. مضمون این شعار، تأیید غیرمشروط تعریف دموکراسی لیبرال از آزادی به‌عنوان تنها تعریف قابل پذیرش از آزادی بیان است و اینکه همگان باید بپذیرند اهانت به مقدسات پیروان ادیان، چه مسلمان و چه مسیحی، «حق مسلم» شارلی‌ابدوها و مصداق روشن آزادی بیان و معیار رواداری است. اگر هم این آزادی استثنائی داشته باشد، تشخیص آن در صلاحیت طرفداران این تعریف از آزادی است!

آنان حق دارند نفی هولوکاست را مصداق نفرت‌پراکنی علیه یهود بدانند و هرگونه تردیدافکنی درباره هولوکاست را اکیدا ممنوع کنند، تا آنجا که کسی جرئت نکند نقض آن را مصداق نفی آزادی بیان بداند؛ در همان حال، کاریکاتور پیامبر اسلام را مصداق نفرت‌پراکنی ندانند. این همان رویکرد انحصارطلبانه‌ای است که روشنفکران (مسلمان) باید در تلاش مسئولانه خود برای محو زمینه‌های رشد خشونت و رادیکالیسم، در سطح بین‌المللی با آن به مخالفت برخیزند. میان شارلی ابدو و بنیادگرای رادیکال و خشونت‌طلب گزینه سومی نیز وجود دارد؛ می‌توان شارلی ابدو یا هوادار حوادث سریالی آن در شش سال اخیر نبود، اما از آزادی بیان دفاع کرد. آری! می‌توان معتقد شد که میان آزادی بیان به‌عنوان تضمین‌کننده کرامت انسان با اختناق از یک سو و با اهانت و تحقیر و نفرت‌پراکنی از سویی دیگر، مرزی آشکار وجود دارد.

دریچه

پویش مردمی برای توقف «خون‌بس»

• رسم خون‌بس یا فصلیه که در برخی مناطق ایران رواج دارد، بار دیگر خبرساز شده است. چندی پیش بود که اعلام شد قرار است یک دختر ۱۱ساله در اهواز به‌عنوان «خون‌بس» به عقد اجباری فردی درآید.

این موضوع با واکنش مقام‌های استان خوزستان مواجه شده و قصد دارند مانع این کار شوند؛ اما کنشگران حقوق زنان و کودکان این موضوع را کافی نمی‌دانند. آنها با راه‌اندازی کارزاری از رئیس قوه قضائیه خواسته‌اند اجرای خون‌بس را جرم تلقی کرده و قوانین مورد نیاز درباره آن را تصویب کند.

این در حالی است که چندی پیش رئیس دادگستری شوش در استان خوزستان، خون‌بس را یک اثر فاخر اجتماعی نامیده و خواستار ثبت ملی آن شده بود. این پیشنهاد با واکنش شدید فعالان حقوق زنان و کودکان مواجه شد و موجی از انتقاد به راه افتاد تا جایی که وزارت میراث فرهنگی و گردشگری رسما اعلام کرد که هرگز این رسم را ثبت ملی نخواهد کرد.

خون‌بس یکی از رسم‌های قدیمی در برخی از مناطق ایران است که در سال‌های اخیر با اعتراض‌های زیادی مواجه شده. این رسم برای حل نزاع‌های خون‌باری که بین طایفه‌های مختلف درمی‌گیرد، اجرا می‌شود. در اغلب موارد دختری از طایفه‌ای که فردی از طایفه دیگر را کشته، به عقد پسری از اقوام فرد مقتول درمی‌آید. سازمان مردم‌نهاد آوای زنان ریحانه اهواز که برگزارکننده این کارزار علیه خون‌بس است، از رئیس قوه قضائیه خواسته با توجه به اینکه این رسم همچنان در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران رواج دارد، این موضوع را جرم تلقی کند. هزاران امضاکننده این کارزار همچنین به فتوای برخی از مراجع تقلید که این رسم را حرام اعلام کرده‌اند، اشاره می‌کنند. این فعالان حقوق زنان معتقدند این رسم نه‌تنها غیرانسانی است؛ بلکه بقای این سنت موجب تکرار خون‌ریزی‌های قبلی می‌شود و دراین‌میان زنان قربانی سنت‌های نادرست خواهند بود. دراین‌حال کارزار دیگری برای مقابله با اسیدپاشی به راه افتاده که خواستار برخورد قاطع و قانونی با عوامل این کار است. هزاران نفر از امضاکنندگان این کارزار با یادآوری اسیدپاشی‌های اصفهان از سران سه قوه خواسته‌اند قوانین بازدارنده مؤثری برای مقابله با این جنایت تصویب کنند. مهرماه شش سال پیش دست‌کم چهار زن جوان در اصفهان قربانی اسیدپاشی‌های سریالی شدند. عوامل این اسیدپاشی‌ها هرگز شناسایی نشدند؛ اما گویا این اسیدپاشی‌ها به بهانه «بدحجابی» این زنان صورت گرفته بود. براساس گفته‌های کمال فروتن، رئیس هیئت‌مدیره انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی، سالانه ۵۲ یا ۵۳ نفر در کشور قربانی اسیدپاشی می‌شوند. بیشتر قربانیان اسیدپاشی در ایران زنان‌اند.

خبری از تهیه موبایل برای دانش‌آموزان نیست

• **ایسنا:** مدیر کل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه تأکید ما بر آموزش حضوری با رعایت تمام پروتکل‌های بهداشتی و رعایت فاصله‌گذاری فیزیکی است، درباره وضعیت محرومیت از تحصیل در مناطق روستایی و عشایر گفت: هنوز آمار دقیق احصا نشده است و در حال جمع‌آوری شاخص‌های مختلف هستیم. محمدرضا سیفی آخرین وضعیت آموزش دانش‌آموزان مناطق روستایی و عشایری را تشریح و اظهار کرد: آنچه تاکنون اتفاق افتاده به علت شرایط خاصی که به وجود آمده با چیزی که پیش‌بینی می‌کردیم کمی متفاوت است؛ اما در مناطق عشایری آموزش به‌صورت حضوری انجام می‌شود. وی افزود: تأکید ما بر آموزش حضوری است؛ زیرا بر فرض محال اگر بتوانیم تبلت و گوشی هوشمند برای همه دانش‌آموزان تهیه کنیم، باز هم برای پایه اول و دوم ابتدایی، جای آموزش حضوری را نمی‌گیرد و معلم باید حضور داشته باشد تا دانش‌آموز حروف الفبا را به‌خوبی فراگیرد.